

آینهٔ اطلاعات

یادداشت: «دست مریزاد سردار…» آرش میری‌خانی
گاهان ابرار عقیده می‌کنند که حاج قاسم نه‌تنها یک ژنرال کارگشته و کم‌نظیر در عرصه نبردهای میدانی است، بلکه او سیاستمداری بزرگ نیز هست. اگرچه غربی‌ها از تربیون‌های مختلف ادعا می‌کنند که موضوع جنگ با داعش در مذاکرات ایران با ۵+۱ به هیچ عنوان مطرح نیست، اما شواهد و قرائن از یک سو و تکذیب‌های همراه با دستپاچگی مقامات واشنگتن از سوی دیگر، نشان از این دارد که آمریکا برای مدیریت بحران عراق و ریشه‌کنی داعش دست به دامان تهران شده است و از حق نگذریم حاج قاسم با آنچه در عراق انجام داد ثابت کرد که ایران در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حذف‌شدنی نیست. حاجی یک ایرانی است که اولیامای برای او احترامی ویژه قایل است و جان کرزی آرزوی دیدارش را دارد. حاجی ما کسی است که خبر گراز‌های غربی چون آسوشیت‌پرس او را ژنرال شجاع خطاب می‌کنند که حتی در باران انفجار خمپارها کمر خم نمی‌کند.

ایران

یادداشت: «معادلات سیاسی آمریکا پس از سلطه جمهور یخواهان بر کناره»؛ سیدحسین موسویان
مسأله‌ای که هم دموکرات‌ها و هم جمهوریخواهان به‌خوبی متوجه آن هستند، شرایط ویژه منطقه، قدرت و نفوذ ایران است. هر دو حزب بزرگ آمریکا داعش را تهدید جدی تلقی می‌کنند و این در حالی است که در مورد اوضاع منطقه سرگرد هم بوده و استراتژی درازمدت و محاسبه‌شده‌ای ندارند و بیشتر دچار روزمرگی شده‌اند. لذا به جایگاه و نقش مهم ایران در منطقه به‌خوبی واقف هستند بنابراین در صورتی که هر یک از دو حزب برنده انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باشند، امکان تعامل با ایران را منتفی نمی‌دانند به‌ویژه اینکه اگر توافق نهایی هسته‌ای با ایران با رویکرد برد - برد برای هر دو طرف رقم بخورد. لذا از یک سو پیروزی بزرگ جمهوریخواهان به‌توافقنامه نهایی را سخت‌تر کرد است زیرا اولیامای برای لغو تحریم‌ها نیازمند توافق با ایران است. اگر از سوی دیگر شرایط خاص و بسیار بحرانی منطقه در کنار حس‌نیت ایران در مذاکرات و اجرای کامل و دقیق توافقنامه موقت ژنو، روسیه و چین و اروپا واقع کرده که زمان توافق نهایی فرا رسیده است و دولت آمریکا باید برای تحقق آن همراهی کند. بنابراین در چنین فضایی که دولت اولیاما هم به‌شدت مشتاق توافق با ایران است، ایران نیز باید دیاکتر خودی را برای یک توافق برد- برد به‌بخرد دهد.

کیهان

سر مقاله: «از عابر چه خبر؟»؛ حسین شریعتمداری
متأسفانه نیم ملاک‌ه‌کننده کشورمان بیشترین- بخوانید اصلی‌ترین- بخش از مذاکرات را روی آمریکا متمرکز کرده است- سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان را تا حدودی و دو کشور چین و روسیه را تقریبا به‌طور کامل از دور مذاکرات خارج کرده است!- که مذاکرات بی‌پرویی و طولانی‌مدت با طرف آمریکایی- از جمله مذاکرات در حال انجام مسقط- نمونه آن است و صد البته به نظر می‌رسد حضور خاتم اشون تنها برای آن است که مذاکرات مساجنبانه تلقی شود. اگر در توافق نهایی، «تحریم‌ها یعنی موضوع اصلی مذاکرات کماکان به قوت خود باقی باشد، چه دستاورد قابل ملاحظه‌ای به‌عنوان نتیجه مذاکرات قابل ارایه است؟ جز آنکه مطمئن باشیم آمریکا قابل اعتماد نیست و باید به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود بازگردیم که در این صورت، تحریم‌ها به یک درگیری فرسایشی تبدیل می‌شود و این در حالی است که صدها نشانه از ناتوانی آمریکا و متحدانش برای ادامه این جنگ فرسایشی در دست است.

سازات

سر مقاله: «تاملی در حکم انتصاب رییس جدید رسانه ملی»؛ محمدکاظم انبارلویی
صداوسیما طی سال‌های پس از انقلاب به‌ویژه در ۱۰ سال گذشته به لحاظ کمی، رشد خوب و ارزنده‌ای داشته است. بالا بردن کیفیت و غنی‌سازی محتوای تیار به «اتاق طراحی پیام» دارد. این اتاق اکنون در رسانه ملی وجود دارد اما باید تقویت شود، آن هم از طریق کادرهای اصلی تربیت‌شده رسانه ملی که طی دو دهه اخیر در کوران کار خاک خورده‌اند و تجربیات گرانسنگی دارند. جوان‌سازی کادرها به این امر مهم کمک می‌کند. سازمان صداوسیما باید پیشگام انتقال قدرت مدیریت، به نسل سوم انقلاب باشد. این نسل قطعا مومنانه‌تر از نسل اول و دوم انقلاب از دستاوردهای اسلام، نظام و انقلاب پاسداری خواهد کرد.

حقان‌پرو

سر مقاله: «فجایح حقوق بشری آمریکا و اسرائیل»؛ پروفیسور کوین برت

پلیس آمریکا هر روز رفتار وحشیانه‌ای با مردم دارد. آمریکا بزرگ‌ترین جمعیت زندانی در جهان را دارد و بیشتر این زندانیان را اقلیت‌ها تشکیل می‌دهند. یک‌سوم سیاهپوستان آمریکایی در یک دوره از زندگی خود به زندان اناخته می‌شوند. حدود ۱۰ میلیون آمریکایی در بازداشت، زندان، آزادی مشروط و غفو مشروط هستند و در زندان‌های آمریکا حوادثی چون تجاوز، شکنجه و سوءرفتار به‌فراوانی رخ می‌دهد و متأسفانه موضوعی عادی است. این یک فاجعه حقوق بشری است که بسیار بدتر از هر چیزی است که در ایران صورت گیرد. اسرائیل نیز یک ناقض بدتر حقوق بشر است. اسرائیل یک سیاست غیررسمی دارد که به سربازان خود اجازه می‌دهد و آنها را ترغیب می‌کند کودکان را برای ترغیج قتل‌عام کنند. این مساله به دلایلی کملا آشکار در رسانه‌های جریان اصلی آمریکا گزارش نمی‌شود و بعضی درباره آن صورت نمی‌گیرد.

سیاست

محسن رهامی:

انتخابی شدن رؤسای دانشگاه‌ها، مانع نفوذ سیاسی‌هاست

مهسا جزینی

چرا نهاد دانشگاه به پرچالش‌ترین حوزه بین دولت‌یازدهم و اصولگرایان تبدیل شده است. ندادن رای اعتماد به میلی‌منفرد، استیضاح فرجی‌دانا و دوباره ندادن رای اعتماد به نیلیی‌احمدآبادی باعث شده از زمان روی کار آمدن دولت‌یازدهم، دانشگاه‌ها سال تحصیلی خود را بدون وزیر آغاز کنند. اگرچه این چالش جدید نیست؛ ولی شاید ریشه آن را بتوان در تعطیلی دانشگاه‌ها در ابتدای انقلاب و رخداد انقلاب فرهنگی جست‌وجو کرد. اگرچه با بازکردن یک‌پرازنز می‌توان اتفاقات سال‌های فضای انقلابی را از سال‌های بعد جدا کرد. آن‌زمان مسایل توجیه فرهنگی از زشی داشت ولی بر خوردهای این روزها با دانشگاه بیشتر ریشه سیاسی دارد اگرچه شاید ظاهر قضیه یکی است. اصولگرایان چه نگاهی به نهاد دانشگاه دارند و چرا این وزار تخانه تا این حد برای آنها مهم است؟ با «محسن رهامی»، حقوقدان و دبیر کل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ چرا نهاد دانشگاه اینقدر برای طیف اصولگرا مهم می‌شود؟ یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های رابطه دولت و مجلس در این ۹ماه، وزارت علوم بوده است. در ابتدا، گزینه معرفی‌شده رای نمی‌آورد؛ گزینه دوم هم تا چه فشار روی دولت، دکتر منیر رود و گزینه سوم هم بعد از گرفتن رای اعتماد، بعد از ۹ماه استیضاح و برکنار می‌شود و فردی هم که به جای او معرفی شده باز رای نمی‌آورد. این حساسیت از کجا ناشی می‌شود و مگر شخص وزیر علوم چه قدرت و چه دامنه اختیاری دارد و تغییراتی که می‌تواند در مدت وزارتش انجام دهد تا چه سلطوحی است که اینگونه اصولگرایان را نگران کرده است؟

برای بررسی این حساسیت نسبت به دانشگاه‌ها، باید کمی به عقب بازگشت و وضعیت دانشگاه‌ها را در دوره احمدی‌نژاد بررسی کرد. دانشگاه مرکز تبادل افکار و تربیت نیروی ماهر است که می‌تواند بسیاری از سیاست‌های نامناسب حوزه اقتصادی، سیاست خارجی و داخلی و روش‌های مدیریت کشور را نقد کند و مدیران لایق تربیت کند. سیاست‌هایی که در دوره هشت‌ساله اصولگرایان و دولت احمدی‌نژاد رخ داد در حوزه‌های مختلف عموما مورد نقد دانشگاهیان بود. این نقد به سیاست‌های عملکردی ایشان تا جایی بود که بالاخره حامیان ایشان هم از او اعلام برائت کردند.

■ البته به‌نظر می‌رسد دانشگاه و وزارت علوم تقریبا یکی از معدود حوزه‌هایی بود که اصولگرایان و احمدی‌نژاد در نحوه اداره آن باهم توافق داشتند و هیچ‌کدام نقدی به هم نداشتند. به‌نظر می‌رسید که این حوزه را احمدی‌نژاد کلا در اختیار نیروهای اصولگرا قرار داده بود و بر خلاف حوزه‌های دیگر نه احمدی‌نژاد با آنها وارد چالش شد و نه آنها خرده‌ای به احمدی‌نژاد داشتند. بله شما خاطرتان هست که نخستین محلی که در مورد یارانه‌ها یا سیاست خارجی یا انحلال سازمان برنامه و بودجه و… دنبال نقد و اعتراض به این سیاست‌ها بود دانشگاه‌ها بود و این‌ها برای جلوگیری از این اتفاق در نخستین کار، دانشگاه‌ها را از استادان صاحب‌نام تخلیه کردند بسیاری در این هشت‌سال بازننشست، اخراج یا ممنوع‌التدریس شدند. حتی پدرشز دانشجو را در برخی رشته‌ها، مثل جامعه‌شناسی در مقاطع دکترا و فوق‌لیسانس مدتی معلق گذاشتند یا مطالعات زنان را منحل کردند. بعد هم برای جایگزینی و به پناه تقویت دانشگاه، سراغ نیروهای ضعیف رفتند. مثلاً در دانشگاه‌های مطرح مثل تهران جای دکتر گرچی و کاتوزیان که از استادان صاحب‌نام و مطرح بودند، جای ضعیف‌نشدند. تخریب را بگیرد با او برخورد می‌شود. در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد هم همین‌طور است. در دانشگاه اما قضیه علی‌حده است. چون اگر در درازمدت این نهاد، مستقل از اراده جریان‌های سیاسی اداره شود، خروجی آن هم افراد مستقل و مجهز به علم خواهد بود که برای بورس‌پیشدن، هیات‌علمی‌شدن و بست گرفتن زیربار خواسته‌های نادرست گروه‌ها نخواهند رفت.

■ در دوران اصلاحات، جریان اصولگرا دولت را متهم می‌کرد که دانشگاه را سیاسی و به باشگاه احزاب بدل کرده است. به‌ویژه معتقد بودند که حزب مشارکت در

بله. ببینید در شبانه‌های که علیه آقای نیلی در مجلس

منتشر کرده بودند یکی از اتهامات وزیر-، بازگرداندن

«علیرضا بهشتی»، فرزند شهیدبهشتی و استاد دانشگاه، دبروز به دعوت اختصاصی روزنامه «شرق» میهمان غرفه ما بود. اگر چه برنامه‌اش فشرده بود و باید نمایشگاه را زود ترک می‌کرد، اما در همان زمان محدود درباره نغدغه‌ها و انتظاراتش از رسانه ما با ما به‌گپوگفت نشست شهربانو امانی و محبوبه ده‌اگر از مدیرم میهمان غرفه شرق بودند.

■ شما پیش‌تر صحبتی مبنی‌بر اینکه یکی از راه‌های رشد و پیشرفت کشور و عبور از چرخه مطالباتی که گاه ریشه ۱۵۰ساله از دوران مشروطه دارد، شکل‌گیری فضای گفت‌وگوی عمومی است، داشتید. اشار‌های هم، به اینکه رسانه‌ها می‌توانند حامل یا عامل این نقش باشند.اشتید آیا تاکنون به این فکر کرده‌اید که چرا رسانه‌ها تاکنون نتوانسته‌اند این نقش را ایفا کنند؟

به اعتقاد من مطالبات اصلی مردم مسا امروز تا حدودی همان مطالبات عصر مشروطه است البته شاید کمی ادبیات آن فرق کرده باشد؛ مثل آزادی، عدالت و پیشرفت. نمی‌خواهم بگویم هیچ‌پیشرفتی برای تحقق آن رخ نداده، اما نسبت به هزینه‌ای که صرف کرده‌ایم دستاوردهان کم‌تر است یعنی اگر ما خودمان را با مللی که وضعی مشابه ما داشتند مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم الان از ما خیلی جلوتر هستند. من خیلی فکر کردم که مشکل از کجاست؟ به نظرم مشکل این است که ما هم‌اش دنبال قهرمان هستیم. فکر اقرار است از این چرخه خارج شویم، باید گفت‌وگوی عمومی صورت گیرد.

■ آیا منظور شما همان شکل‌گیری جامعه مدنی نیست؟ فضای که امکان گفت‌وگو در آن فراهم شود.
گسترش جامعه مدنی به‌عنوان عامل توسعه پایدار قطعا از ابزارهای رسیدن به این هدف است ولی خودش نمی‌تواند هدف باشد اهداف همان چهارتاست.

■ منظور من این است که آیا ما می‌توانیم بگویم جامعه مدنی بدیل مناسبی است؟
اگر جامعه مدنی به معنی واقعی شکل بگیرد گسترش پیدا

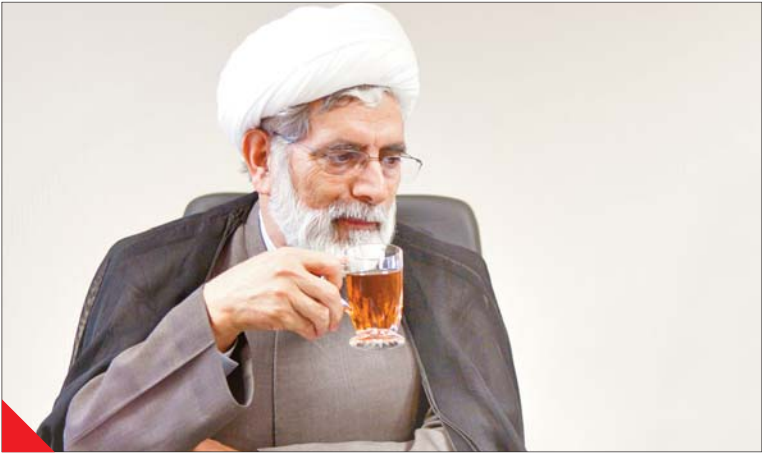


عکس: امیر چرچیدی، شرق

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد:

نقد علیرضا بهشتی به فضای رسانه‌ای

■ شما فکر می‌کنید که این به‌علت محدودیت‌های بیرونی است یا ضعف‌های خود رسانه‌ها؟
بخش بزرگی از آن به‌خاطر محدودیت‌هاست و بخشی هم برمی‌گردد به ساختار رسانه‌های ما یکی از آنها نبود امنیت شغلی و تأمین‌نبودن روزنامه‌نگار است. الان تعداد زیادی روزنامه‌نگار چندشغله داریم. بعضی حتی در چندزمینه و موضوع متفاوت کار می‌کنند. یعنی ما نمی‌توانیم روزنامه‌نگار تخصصی عمقی پرورش دهیم. یک روزنامه‌نگار اگر بداند که تأمین است در یک نشریه متمرکز می‌ماند و کم‌کم رشد می‌کند. مثلاً در آمریکای لاتین بسیاری از نویسندگان برجسته مثل بارگاس یوسا سابقه مطبوعاتی دارند با وجود اینکه در دوره‌های فضاهای دیکتاتوری هم بر کشورشان حاکم بوده است اما رسانه فضایی برای حضور و ثبات این افراد فراهم کرده



عکس: امیر چرچیدی، شرق

مخالفند و بیشتر از آن نمی‌خواهند که این روش نهادینه شود. چون ممکن است زمانی قدرت و دولت دست آنها باشد و در صورتی که این روش نپهاندمن شود، امکان بازگرداندنش خیلی سخت می‌شود. جالب است باوجود اینکه تعداد زیادی اعضای هیات‌علمی را توانستند با شیوه‌های مختلف وارد دانشگاه‌ها کنند، اما نتیجه در درازمدت بر خلاف خواسته آنها خواهد بود. چون قرار گرفتن در فضای دانشگاه باعث می‌شود آنها هم در نهایت به شاخص‌های آن نهاد تن دهند و در هنگام رای‌دادن و انتخاب افرادی را انتخاب کنند که کمتر وابستگی جناحی سیاسی و به‌لحاظ علمی در مرتبه بالاتری قرار دارند.

■ آیا انتظار اصولگرایان چیزی جز مخالفت نیست؟

غیرواقع‌بینانه نیست؟ تصور آنها از قدرت دانشگاه کمی بیش از حد بزرگ نشده است؟ فرآیند انتخابی‌شدن روسای دانشگاه‌ها مگر در نهایت چه تأثیرات عمده‌ای بر منافع آنها خواهد گذاشت؟

یک‌علت آن این است که آنها دانشگاه را همانند یک وزارتخانه می‌بینند و تصور می‌کنند عزل‌ونصب‌ها در آن مثل عزل‌ونصب‌های مدیران یک وزارتخانه و سازمان‌های ذی‌ربط است که می‌توانند مثل کارت‌های بازی با آن رفتار کنند. هر کسی را خواستند وارد یا خارج کنند. برای آنها دانشگاه فرقی با مثلا فلان اداره کل ندارد. روش‌های عزل‌ونصب سازمانی، روش‌هایی غیردموکراتیک است که در دانشگاه جواب نمی‌دهد. یک استاد دانشگاه را نمی‌توان به‌راحتی مانند یک مدیر جابه‌جا کرد. چون دیدند که جواب نمی‌دهد به این فکر افتادند که در محتوا دست ببرند. در مقابل تشکل‌های دولت‌ساخته ایجاد کردند فشار وارد شده بر انجمن‌های اسلامی در این هشت‌سال بی‌سابقه بود. در نهایت اینکه انگار جایی که مرکز تبادل نظر و فکر است باید کلا کوچک شود. اثر این تفکر هنوز ادامه دارد و تا زمانی که این نگاه به دانشگاه وجود داشته باشد، این نوع برخوردها هم ادامه دارد. برای تغییر این نگاه باید اول خود ما تغییر کنیم. باید قبول کنند که جامعه باز است و افراد باید خود را در معرض نقد دیگران قرار دهند. اگر آینه به ما گفت که صورت کج است، آنه را نشکنیم خودمان را اصلاح کنیم. این تحول و مدارا در بین برخی از ما وجود ندارد.

■ به‌نظر شما تجربه‌های شخصی و سابقه برخی از این مخالفان تندرو استقلال دانشگاه در برخورد بایشان چقدر موثر است؟ مثل روند ورود خود این افراد به دانشگاه، طی مدارج و دریافت مدرک آنها.

بعضی ممکن است اما همه نه. شما نحوه تحصیلات و مدرک آقای‌فرجی‌دانا را با وزیر قبلی مقایسه کنید. برخی جاها این مقایسه انجام شده‌است. این اما بخشی از قضیه است و کلا قضیه همانی است که عرض کردم.

بود که برخی‌ها بعدا افراد برجسته با نویسنده بزرگی شدند. پیشنهاد می‌کنم کتاب ماهی درآب که خود زندگینامه نوشته ماریو بارگاس‌یوسا را حتما بخوانید. اگر مطبوعات بتوانند به یک فضای ثبات برای خودشان و زیرمجموعه‌شان برسند می‌توانند آن نقشی را هم که من مطرح کردم ایفا کنند.

رسانه‌ها بطور می‌توانند این فضای گفت‌وگوی عمومی

که مدنظر شماست را شکل دهند؟

مثلاً در دوران تبلیغات انتخاباتی شما اگر به برنامه‌های نامزدها نگاه کنید متوجه می‌شوید که همه رونویسی از برنامه‌های توسعه است. پس جای برنامه خود کاندیدا کجاست؟ و دیگر اینکه کجا باید برنامه‌های آنها نقادی شود؟ آیا جز در رسانه‌ها؟ و مگر غیر از این است که متخصصان و صاحب‌نظران بایبند و منصفانه بدون جهت‌گیری برمبنای معلوماتشان بحث کنند. در کشورهای پیشرفته، در کمپین‌های انتخاباتی بحث بر سر چنددهم درصد بالا پایین‌رفتن نرخ اشتغال است. یعنی اگر یک‌نامزد مقداری حرکت پوپولیستی انجام دهد،بالافاصله می‌جش باز می‌شود. درحالی که این اتفاق در کشور ما نمی‌افتد و برنامه هیچ نامزدی زیر ذربین رسانه و خبرنگان کم‌تر است نمی‌گیرد.

■ البته یک بحث دیگر هم هست، من فکر می‌کنم اتفاقا رسانه از حضور نخبگان دانشگاهی و انعکاس یافته‌هاشان در رسانه استقبال می‌کند اما گاهی نخبگان هستند که تمایلی به این ارتباط مستمر ندارند. یک خط‌قرمزی بین فضای آکادمیک و فضای ژورنالیسم می‌کشند و این تعبیر فضای ژورنالیستی به‌عنوان کار که در مقایسه با آکادمی ارزش کمتری دارد خیلی بین دانشگاهیان رواج دارد.

باید رفت پای صحبت‌هایشان نشست و دید چرا؟ من خودم با روزنامه‌نگاری که سرانغم می‌آید اما نسبت به موضوع مورد بحث بی‌اطلاع است گفت‌وگو نمی‌کنم. برای همین گاهی می‌خواهم که از پیش سوال‌ها را بفرستد. بعضی‌تق‌ها از ما می‌خواهند که ما خودمان سوال طرح کنیم و خودمان جواب دهیم. این به‌نظر من یک‌ضخف مهم و اساسی است.

بیمه زنان» به‌عنوان شرط ضمن عقد به جای «مهریه»

● ایستنا: شهیندخت ملاوردی، معاون امور زنان

رییس‌جمهوری پیشنهاد داده که بیمه زنان به‌عنوان شرط ضمن عقد جانشین مهریه شود. او در این باره گفته: «در این نامه اعلام کردیم آمادگی تشکیل ستاد

ملی زن و خانواده را داریم و یکی از موضوعاتی که در این ستاد مطرح می‌شود این است که بیمه زنان خانواده را به صورت شرط ضمن عقد و به جای مهریه در اسناد عقد و ازدواج وارد شود و مردان بخشی از مهریه را در قبال بیمه بدهند. اصرار داشتم با سازمان تأمین اجتماعی لایحه مشترک بدهیم تا حتما اجرایی‌اش شود. در این رابطه مکاتباتی با آقای جهانگیری معاون اول رییس‌جمهور داشتیم و چهار شکل پیشنهادی به آنها ارایه کردیم تا کمیسسیون اجتماعی دولت آن را بررسی و هرکدام که می‌تواند اجرایی شود را پیاده کنند».

● ایستنا: شهیندخت ملاوردی، معاون امور زنان

عمان به‌خوبی می‌داند برطرف‌شدن مشکلات ایران و آمریکا و مخصوصا رفع‌شدن سوءتفاهات بین دوکشور در صورت صداقت طرف آمریکایی و جرات طرف ایرانی، باعث خواهد شد تا ایران روی ریل توسعه بیفتد که باعث افزایش اقتدار نظام نوپای ایرانی خواهد شد و این همان چیزی است که به‌ناحق و بی‌دلیل دولتمردان سعودی و صهیونیست از آن در ترس‌وهراس هستند. ایران نیز مصمم است نه براساس مدل‌های سنتی توازن قوا که در زمان جنگ‌سرد حاکم بود و یکی با کارت‌جسپین و دیگری در مقابل طرف سوم بازی می‌کرد، بلکه بر اساس کسب منافع تاکتیکی ایفای نقش می‌کند تا هم در کوتا‌مدت از برخی کشورهای منطقه دفع‌شز کند و هم در درازمدت یکپازی برد- برد را مدیریت کند. آنچه تا به‌حال در زمینه روابط ایران و غرب در پرتو پونده هسته‌ای شکل گرفته و پیشرفت کرده، حاصل همین مدل رفتاری و روندی بوده که از اواخر دولت‌دهم در مسقط شروع شده و رسانه‌های غربی از جمله نشریه المانیتر جندی‌پیش نوشت دوهیات ایرانی و آمریکایی اواسط اسفند ۱۳۹۱ در مسقط با یکدیگر دیدار داشتند خبری که هیچ‌گاه از سوی دوطرف تایید یا تکذیب نشد، ولی اقدام خوبی برای ریختن ترس مذاکره بود! نگاه خوشبینانه و ترجیحی اندیشمندان خرسواه که از کاهش تنش‌های جهانی منتضر نمی‌شوند، این‌است که مذاکرات هسته‌ای از عمان شروع و در عمان نیز ختم می‌شود، ولی با توجه به مشکلات بی‌اعتمادی دوطرف و تلاش کسانی که در دوشکور و در صحنه منطقه‌ای و جهانی اوضاع را آتجان پیچیده کرده‌اند که گفت آرزو بر جوانان نیست عیب نیست اما همین‌مقدار از پیشرفت که مسولان دوشکور متحملانه کنار هم می‌نشینند و نفعظ‌ظنرات خود را به یکدیگر منتقل می‌کنند و از کسانی که از آب گل آلود ماهی می‌گیرند، فاصله گرفته‌اند را هم باید قدر دانست. افکار عمومی به‌جای آنکه تحت‌تاثیر جوسالاران و دلاویسان قرار گیرد، باید خواسته‌های مردم را به دوطرف یاد دهنده که تا هیچ‌طریق از ان‌سرات سحرآمیز میز مذاکره غافل نشود. اما از طرف دیگر تحلیل‌گران منطقه معتقدند حکومت عمان، حکومتی محافظه‌کار و ریسک‌ناپذیر بوده و قاعدتا سعی خواهد کرد قدم در راهی نگذارد که در آن شکستی باشد؛ بنابراین این خوشبینی جای خود را در اذهان عمومی باز کرده که برگزاری نهمین دور مذاکرات ایران و ۵+۱ در عمان به فال نیک گرفته و آن را علامت خوبی از رسیدن به توافق جامع نهایی می‌دانند. اگرچه طی هشت‌دور گفت‌وگو توافق‌های مهم و خوبی صورت گرفته و آنچه که باقی‌ مانده، بسیار پیچیده و سخت است و نمی‌توان ادعا کرد که کار حتما تمام شده است، اما با توجه به‌عزم دوشکور، توافق نهایی غیرمتمثل نیست. اما اینکه طرح مشترک جامع است یا خیر؟ طرح جامع چندساله است! این سن نسل حاضر به آن

وصال خواهد داد یا نوه‌متنجه‌های آنها باید شاهد اثرات آن باشند؟ و منتضران داخلی و خارجی آن چه کسانی هستند؟ و بسیاری از سوالات دیگر، خود به مقالات دیگری نیاز دارد.

توضیح و یوزش «شرق»

جنایات «داعش» در حدی بود که جامعه‌جهانی را به واکنش واداشت و فشار افکار عمومی بر دولت‌ها را شکل داد و به‌تدریج، اجماع و اتتافیقی بین‌المللی علیه «داعش» ایجاد شد که در مواردی حتی حامیان اولیه این پدیده اعم از کشورهای غربی و عربی را نیز دربرگرفت. شماری از کشورهای ایران، مانند گرجه در ائتلاف صوری حضور نیافتند اما در عمل، نقش موثری در مقابله با «داعش» و عقب‌راندن آنان از سرزمین‌های اشغالی ایفا کردند. اکنون، دوران افول «داعش» آغاز شده است اما جای تحلیل‌هایی از دلایل بروز و ظهور چنین پدیده‌ای خالی به نظر می‌رسد. «داعش»، رفتنی است اما چگونه می‌توان از شکل‌گیری داعش‌های جدید پیشگیری کرد؟ ما نخست‌مردان این مسیر، شناسایی، آبش‌خو‌های فکری و ریشه‌های ارتزاق «داعش» است. این، همان انگیزه‌ای بود که «شرق» را به انتشار ضمیمه ۱۶صفحه‌ای روز ۱۸آبان، تحت عنوان «مرزگشایی از تفکر «داعش»» برانگیخت و مطابق روال چنین ضمیمه‌هایی، بازتاب‌دادن دیدگاه‌های متنوع کارشناسان در دستور کار قرار گرفت. هرچند، مجموعه دیدگاه‌های انتشاریافته در این ضمیمه، از چارچوب‌های تعیینی آن، در انتخاب برخی کارشناسان، قصوری صورت گرفت و از آنجا که «شرق» هواره خود را ملزم به فعالیت در چارچوب سیاست‌های رسانه‌ای نظام می‌داند، اینجانب مراتب یوزش خویش بابت این قصور را اعلام می‌کنم.